

دیپلماسی جهادی با تأکید بر عملکرد شهید سلیمانی در عرصه سیاست خارجی

حمید خوشابند^۱

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و چهارم، شماره ۲، پیاپی ۹۴، تابستان ۱۴۰۲؛ صفحات ۱۱۰-۹۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵

چکیده

دیپلماسی یکی از عرصه‌های مهم تأمین مطلوب، بهینه و حداکثری منافع ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. جمهوری اسلامی ایران که یکی از بازیگران مؤثر و قدرتمند منطقه غرب آسیا است، به‌عنوان تنها کشوری که در طول بیش از ۴۰ سال اخیر بیشترین تقابل گه‌تانی، ایدئولوژیکی و راهبردی را با آمریکا در سطح منطقه و جهان داشته است، به دیپلماسی و سیاست خارجی به‌منزله حوزه‌ای برای پیشبرد اصول، آرمان‌ها، ارزش‌ها و مؤلفه‌های جهان‌شمول انقلابی و اسلامی خودی‌نگر که تحقق آنها مستلزم استفاده از ابزارهای لازم و کارآمد است که دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشور در رأس آن قرار دارد. اما در کنار وزارت امور خارجه به‌عنوان متولی اصلی سیاست خارجی کشور، سازمان‌های مختلفی نیز وجود دارند که وزارت خارجه را در این امر کمک می‌کنند. نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یکی از این نهاد‌های مهم است که در این زمینه توانسته است تحت فرماندهی شهید حاج قاسم سلیمانی موفقیت‌ها و دستاوردهای ارزشمندی را در زمینه ارتقای اقتدار و امنیت ملی و همچنین دفع تهدیدات امنیتی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و... و در کنار آن، تبدیل جمهوری اسلامی به بازیگری قدرتمند و مؤثر در معادلات منطقه‌ای و جهانی به‌دست آورد. مدیریت جهادی و بی‌نظیر شخص فرماندهی نیروی قدس، شهید سلیمانی، و به‌عبارتی، دیپلماسی جهادی، وی در کنار فعالیت‌های نظامی، امنیتی و سیاسی ایشان، مهم‌ترین عنصر نقش‌آفرین در تحقق دستاوردهای راهبردی و آثار مطلوب و مثبت مذکور برای ایران بوده است. با توجه به اهمیت این موضوع، دیپلماسی جهادی با تأکید بر

۱. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

عملکرد شهید حاج قاسم سلیمانی مورد کشف و بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

دیپلماسی، مدیریت جهادی، شهید سلیمانی، نیروی قدس، جبهه مقاومت

نظام جمهوری اسلامی ایران همچنان که از نام آن نیز پیداست، تنها نظام سیاسی در نظام بین الملل است که باشکستن ساختارهای جهانی، مفاهیم ارزشی و هنجاری جدید در عرصه‌های داخلی و همچنین در حوزه سیاست خارجی و روابط بین الملل مطرح کرده است که کاملاً منطبق با منطق الهی و توحیدی و بر اساس موازین قرآنی و اسلامی است. «مدیریت جهادی» به عنوان یک ابتکار جدید که می‌توان آن را به تمام روندها و عرصه‌ها تعمیم داد، یکی از این مفاهیم ارزشی جدید است که برای نخستین بار در نام‌گذاری سال ۱۳۹۳ به نام «سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» توسط رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مطرح شد.

حوزه سیاست خارجی و دیپلماسی با توجه به جایگاه ویژه‌ای که در تأمین منافع ملی کشور در سطح منطقه و جهان دارد، آن هم در شرایط حساس کنونی، از جمله عرصه‌های مهمی است که فعالیت در آن باید آمیخته با مدیریت و تلاش جهادی باشد؛ زیرا با «دیپلماسی جهادی» نه تنها منافع ملی کشور در سطح منطقه و جهان بهتر و بیشتر تأمین می‌شود، بلکه ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی نیز که مبتنی بر اصول اسلامی و قرآنی است، به نحو مطلوب صادر می‌شود.

مفهوم‌شناسی

برای درک بهتر مفهوم دیپلماسی جهادی، ابتدا باید یک تعریف دقیق از مفهوم «دیپلماسی» ارائه داد.

الف) دیپلماسی

واژه «دیپلماسی» از ریشه یونانی «دیپلوما» اخذ شده که معنای لغوی آن، صفحه یا برگ «تاشده» است. در اصطلاح، «دیپلوما» به سندی گفته می‌شد که به موجب آن، عنوان یا امتیازی به شخص می‌دادند. از این ریشه، واژه «دیپلماسی» و «دیپلمات» ساخته شده است (عمید زنجانی، ۱۳۹۳: ۲۶۵).
واژه دیپلماسی به گونه‌های مختلف تعریف شده است که عبارت اند از:



- اداره امور بین الملل به وسیله سفیر و سایر مأموران دیپلماتیک؛
- اداره امور بین دولت‌ها با وسایل مسالمت آمیز؛
- هنر دیپلمات در اداره امور خارجی دولت با وسایل مسالمت آمیز، به خصوص با مذاکره و گفت‌وگو؛
- هنر و روش انجام مذاکره با دولت‌های خارجی برای دستیابی به روابط سیاسی رضایت‌بخش و متقابل (بهمن، ۱۳۸۲: ۴۲۰)؛
- علم و هنر نمایندگی کشورها و فن مذاکره به عنوان هنری که برای انجام امور دیپلماتیک و حقوقی و نیز حفظ منافع کشور متبوع، در خارج صورت می‌گیرد (خیابانی، ۱۳۸۴: ۸۰)؛
- اصول و مقرراتی که به موجب آنها روابط دولت‌ها با هم از راه مذاکره و فرستادن مأموران فوق‌العاده و نیز جلب موافقت یا بستن قراردادها تمشیت پیدا می‌کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۱۹۸)؛
- روش حل و فصل مسائل روابط خارجی دولت با دولت‌های دیگر، به وسیله مذاکره یا هر شیوه مسالمت آمیز دیگر. بنابراین، معنای خاص دیپلماتیک، روابط خارجی دولت و دیپلماسی و نیز نحوه اداره آن روابط است (صدر، ۱۳۸۶: ۴).

امادریک جمع‌بندی از همه تعاریف ارائه شده می‌توان چنین برداشت کرد که دیپلماسی روشی برای حل و فصل مسائل مربوط به روابط خارجی دولت به وسیله گفت‌وگو یا هر روش مسالمت آمیز دیگر است. آنچه از مجموع تعاریف دیپلماسی به دست می‌آید، این است که دیپلماسی دارای ماهیتی مسالمت‌جویانه بوده و مذاکره و گفت‌وگو از ویژگی‌های بارز آن است؛ به طوری که برقراری و ایجاد صلح و زندگی مسالمت آمیز در دستور کار اصلی این فعالیت قرار دارد و تمام این فعالیت‌ها در حوزه موسوم به سیاست خارجی انجام می‌شود. بر این اساس، دیپلماسی را به عنوان فن اداره سیاست خارجی و تنظیم روابط بین‌المللی و همچنین حل و فصل اختلافات بین‌المللی از طریق مسالمت آمیز، تعریف و توصیف کرده‌اند.

به عبارت دیگر، می‌توان گفت «دیپلماسی وسیله‌ای است که سیاست خارجی با بهره‌گیری از آن، به جای جنگ، از راه مذاکره به هدف‌های خود می‌رسد» (قوام، ۱۳۸۴: ۲۰۷).



(ب) جهاد

واژه «جهاد» کلمه‌ای عربی از ریشه «جهد» به معنای مشقت و نهایت تلاش و کوشش^۲ است. اما از منظر دینی به هر تلاشی، جهاد اطلاق نمی‌شود؛ بلکه جهاد از منظر دینی، عبارت است از بذل جان، مال و توان خویش در راه اعتلای کلمه اسلام و اقامه شعائر ایمان.

رهبر معظم انقلاب، جد و جهد و مبارزه در مقابل دشمن را دورکن اساسی جهاد می‌داند. ایشان در این باره می‌فرمایند:

در مبارزه دو چیز حتماً لازم است: یکی اینکه در آن جد و جهد و تحرک باشد. انسان در رختخواب یا در پستوی خانه که نمی‌تواند مبارزه کند...؛ دوم اینکه در مقابلش دشمن باشد. مبارزه در آنجا که دشمن نیست، معنادار نیست. پس جهاد متقوم بر این دورکن است...^۳

معظم له در جای دیگری در تعریف جهاد بیان می‌دارند:

جهاد یعنی گذشتن از خود برای رسیدن به تعالی و رشد؛ یعنی فداکاری و مبارزه؛ نه اینکه انسان به دنبال منافع شخصی خود باشد؛ یعنی ارجحیت منافع و مصالح ملی بر منافع فردی و جناحی.^۴

هر چند معنای جهاد مبارزه و رویارویی با دشمن و چاره‌جویی در مقابل موانع است، ولی جهاد فقط به مبارزه در میدان جنگ و نبرد مسلحانه ختم نمی‌شود؛ بلکه هر جا مانعی باشد و در نتیجه، تلاشی خالصانه و بانیت الهی برای رفع آن مانع انجام گیرد، می‌توان آن را جهاد نامید. بنابراین جهاد، معنایی وسیع تر از قتال و مبارزه مسلحانه دارد.

(ج) دیپلماسی جهادی

۱. احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ذیل کلمه جهاد.
 ۲. فخرالدین الطریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ذیل کلمه جهاد.
 ۳. بیانات در درس خارج فقه، ۲۰ شهریور ۱۳۷۳.
 ۴. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۶ شهریور ۱۳۹۲.

با توجه به تعاریفی که از دو مفهوم «دیپلماسی» و «جهاد» در سطور بالا ارائه شد، «دیپلماسی جهادی» را می‌توان آمیزه‌ای از دیپلماسی و جهاد دانست که می‌تواند در اشخاص یا سازمان‌های مرتبط در حوزه سیاست خارجی تبلور یابد. در این زمینه، دیپلماسی جهادی در واقع، همان دیپلماسی علمی است که بر اساس فرمول‌ها و قوانین مطرح در دانش دیپلماسی پایه‌ریزی شده است. فرق این نوع دیپلماسی با دیپلماسی متعارف در این است که مبنای دیپلماسی جهادی، مبنای اسلامی و ارزشی است و می‌توان گفت یک دیپلمات مسلمان که یک مدیر و کارگزار در حوزه سیاست خارجی است، با در نظر گرفتن ابعاد دینی و ایمانی، به دیپلماسی تعریف تازه‌ای می‌بخشد و مفهوم دیپلماسی جهادی را به وجود می‌آورد.

در دیپلماسی جهادی که برگرفته از روش‌های مدیریتی و اداره امور در اسلام است، به علم و فرهنگ و نیز به انسان و ارزش‌های انسانی توجه ویژه‌ای شده است. بدین ترتیب، دیپلماسی جهادی نوعی دیپلماسی ارزشی و با اصالت فرهنگی و هماهنگ با دیپلماسی علمی و متعارف است. لذا می‌توان گفت با استفاده از تعاریف علمی دیپلماسی و به کارگیری پنج وظیفه اصلی یک دیپلمات و ادغام آن با مفاهیم اسلامی و دینی، به سبب جدیدی از دیپلماسی تبدیل شده است. در دیدگاه دیپلماسی جهادی، دیپلماسی یک ابزار شخصی، جناحی یا گروهی نیست، بلکه مسئولیتی سنگین است که برای موفقیت در انجام آن حتی باید از بسیاری از خوشی‌ها، لذت‌ها و خواسته‌های شخصی، گروهی و سیاسی گذشت. بنابراین، برای ساختن جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های الهی و بدون دخالت بیگانگان در سطح جهان و منطقه و به خصوص جهان اسلام که مهم‌ترین حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی است، باید دیپلمات‌های لایق و با صفات مبتنی بر ارزش‌های انقلابی و جهادی داشته باشیم و با تکیه بر توانایی‌های این دیپلمات‌ها، بتوانیم دیپلماسی مؤثر و جهادی در عرصه سیاست خارجی که یکی از عرصه‌های حیاتی هر کشوری است، ایجاد کنیم.

دیپلماسی جهادی هیچ‌گونه منافاتی با کار علمی، نظم تشکیلاتی و آداب

ورسوم و عرف‌های دیپلماتیک ندارد، بلکه مکمل آن نیز است.

اهمیت و ضرورت دیپلماسی جهادی

درتیین اهمیت، ضرورت و چرایی نیاز به گسترش و تعمیق دیپلماسی جهادی در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

- به دلیل اینکه جمهوری اسلامی بر پایه فرهنگ، ارزش‌ها و مبانی اسلامی و انقلابی شکل گرفته است، بنابراین باید از دیپلماسی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، که جهادی یکی از مؤلفه‌های مهم آن است، برخوردار باشد.
- دیپلماسی جهادی باعث ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی کشوری شود.
- دیپلماسی جهادی، نوعی میان‌بر برای مدیران دستگاه دیپلماسی است تا کاستی‌ها و نقص‌های گذشته جبران شده و مسیر پیش‌رو با تلاش و انگیزه‌ای مضاعف پیموده شود.
- دیپلماسی جهادی باعث گسترش فرهنگ ایثار، مقاومت، جهاد و شهادت، که جزو مؤلفه‌ها و مبانی شکل‌دهنده انقلاب اسلامی است، در سطح منطقه و جهان می‌شود.
- عدم به‌کارگیری دیپلماسی جهادی، که در ذیل مدیریت جهادی تعریف می‌شود، ضمن ایجاد رکود در امور سیاست خارجی، مانع از ترویج و اشاعه فرهنگ مقاومت و جهاد و نیز تحقق مطلوب اهداف و چشم‌اندازهای جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی می‌شود.

اهمّ شاخصه‌ها و مؤلفه‌های دیپلماسی جهادی

- رضایت خداوند و ایمان به مردم؛
- جدیت، خستگی‌ناپذیری و شوق به کار؛
- مخالفت با خودکامگی، خودمحوری و سلطه‌گری در جهان؛
- برداشتن گام‌های بلند و ریسک‌پذیر بودن (بدیهی است که ضمانت



- موفقیت و پشتوانه هر گام بلند، بررسی‌های علمی و داشتن برنامه صحیح است که یک دیپلمات جهادی از آنها برخوردار است؛
- عبور از چالش‌ها و ضعف‌های فکری و عقلانی، راحت‌طلبی، آسان‌گرایی، آسان‌پنداری، عادت‌های تاریخی و غیره؛
- برداشتن گام‌های بلند و داشتن شتاب مناسب؛
- داشتن بصیرت، دشمن‌شناسی و عدم غفلت از وجود دشمن و حیل‌های او؛
- مقابله با دشمن واقعی؛
- هدف‌گذاری در قالب ضوابط علمی، حرکت در راستای چارچوب‌های تعریف‌شده سیاست خارجی یعنی حکمت، عزت و مصلحت و همچنین ایمان راسخ به اصول و مبانی انقلاب اسلامی (نمی‌توان به بهانه فعالیت جهادی و فقط بایمان اینکه با توکل بر خداوند متعال کارها پیش خواهد رفت، حرکت کرد. به عبارتی، در دیپلماسی جهادی، مدیر دستگاه سیاست خارجی قبل از اینکه دیپلمات باشد، یک عنصر به تمام معنا انقلابی است)؛
- انتخاب وسیله و هدف به شکل درست، اصولی و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، قرآنی و انقلابی (در دیپلماسی جهادی برخلاف دیپلماسی رایج در کشورهای غربی، هدف وسیله را توجیه نمی‌کند)؛
- شجاعت در مقابل تهدیدهای دشمن و حاکمیت عقل و منطق بر تصمیم‌گیری‌ها و حرکات؛
- حفظ و ارتقای بعد جهانی و بین‌المللی انقلاب اسلامی.

اهداف دیپلماسی جهادی

- نفی نظام‌های وابسته به غرب؛
- گسترش دایره نفوذ اسلام و مقابله همه‌جانبه با نظام سلطه؛
- ایجاد چالش برای هژمونی آمریکا و نظام دوقطبی و قدرت‌های استعماری و استکباری که ثروت و حقوق ملت‌ها را به چپاول می‌برند؛
- حمایت از نهضت‌های رهایی‌بخش و مسلمانان؛

- ایجاد خیزش جهانی مستضعفان علیه مستکبران؛
- طرح سه عنصر معنویت، اخلاق و عدالت در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- نفی پیش از پیش نظام سلطه، به چالش کشیدن هژمونی جهانی آمریکا و نقد مدیریت یک‌جانبه جهانی؛
- تنزل جایگاه رژیم صهیونیستی و افول کارکرد منطقه‌ای آن؛
- ارتقای تأثیرگذاری ایران به‌عنوان بازیگر فعال و قدرتمند منطقه‌ای؛
- تعمیق دامنه جبهه مقاومت، به‌خصوص در شمال آفریقا و خلیج فارس.

نیروی قدس، پیشگام دیپلماسی جهادی

تنوع در حوزه سیاست خارجی یکی از اصول مسلم و شناخته‌شده است که تقریباً در قریب به اتفاق کشورهای در نظام بین‌الملل دیده می‌شود. اگر فقط وزارت خارجه را مسئول دستگاه سیاست خارجی و تنها مرکزی بدانیم که در پیشبرد و محقق سیاست‌ها و راهبردهای خارجی یک کشور در حوزه روابط خارجی و بین‌الملل نقش انفا می‌کند، تلقی ناصحیحی است؛ کما اینکه تجربه نیز نشان داده است که تنوع نهادهای تصمیم‌گیر، تصمیم‌ساز و مجری در حوزه سیاست خارجی، به شرطی که از تخصص، تعهد و کارآمدی برخوردار باشند، منجر به تأمین مطلوب و حداکثری منافع ملی می‌شود. این موضوع در جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان یک اصل مسلم، شناخته‌شده و عملیاتی وجود داشته است و در کنار وزارت خارجه، نهادهای متعددی نیز در تدوین سیاست‌ها و پیشبرد آنها در حوزه سیاست خارجی فعال اند که نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در رأس آنها قرار دارد.

نیروی قدس به‌عنوان یک نیروی جهان‌وطن، آرمان‌گرا و ایدئولوژیک و در عین حال، ملی‌گرا (با ایدئولوژی اسلامی-انقلابی) است که درست در نقطه مقابل جریان‌های در کشور و منطقه قرار دارد که خود را غیر ایدئولوژیک می‌خوانند، ولی در حقیقت، دارای ایدئولوژی



«غرب‌گرایی سازشکار» است. تولد نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تشدید مداخلات نظامی آمریکا در منطقه و به‌طور دقیق، از زمان حمله آمریکا به عراق در آگوست ۱۹۹۱ (شهریور ۱۳۷۰) هم‌زمان شد.

نیروی قدس بخشی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سپاه بخشی از ساختار سیاسی و دفاعی کشور است. از آنجا که مأموریت برون‌مرزی سپاه در نیروی قدس تعیین و سازمان می‌یابد، این نیرو و محقق قسمت اصلی آن بخش از مأموریت‌های جمهوری اسلامی است که ناظر بر ارتقای سطح «امت اسلامی» و «مستضعفان جهان» است. در بند ۱۶ از اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ذیل عنوان «وظایف دولت جمهوری اسلامی» آمده است: «تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان».

در اصل ۱۱ قانون اساسی نیز آمده است:

«به حکم آیه شریفه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون»، همه مسلمانان یک امت اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش دیگری به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را محقق بخشد» (زارعی، ۱۳۹۸).

یک وجه دیگر نیروی قدس مقابله با تهدیدهای خارجی جمهوری اسلامی است؛ البته نه به این معنا که این مأموریت، تنها بر عهد این نیرو قرار دارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۷۶ ذیل وظایف شورای عالی امنیت ملی آورده است: «بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی».

با این وصف، نیروی قدس بخشی از ساختار تمدنی و دفاعی جمهوری اسلامی است و صلاحیت آن به‌طور رسمی در ساخت حقوقی جمهوری اسلامی آمده است و از آنجا که ذیل یکی از قوای سه‌گانه قرار نمی‌گیرد و مستقیماً زیر نظر «ولایت فقیه» قرار دارد، از مشروعیتی جامع و کامل برخوردار است و حد مشروعیت آن از نهادهای مشابهی که در ذیل

یکی از قوا قرار دارد، بالاتر است و دقیقاً به همین دلیل، اداره پرونده‌های راهبردی در حوزه سیاست خارجی کشور، آنجا که به «تمدن»، «امت» و «امنیت» کشور بازمی‌گردد، به این نیرو سپرده شده است (زارعی، ۱۳۹۸).

اتصال نیروی قدس به ولایت فقیه و عدم انقیاد در ذیل یکی از قوای جمهوری اسلامی، گاهی توأم با سوء تعبیرهایی بوده است. بعضی از ناظران سیاسی آن را دارای کارکردی متمایز از دستگاه رسمی سیاست خارجی و دستگاه‌هایی که مأموریت مکمل در حوزه خارجی دارند، نظیر سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و وزارت اطلاعات معرفی کرده و نوعی دوگانگی را به تصویر کشیده‌اند. این تلقی تا آنجا که به کشورهای خارجی برمی‌گردد، به منظور غیر مشروع معرفی کردن فعالیت نیروی قدس صورت گرفته است. طبعاً وقتی یک سازمان و فعالیت آن غیر مشروع معرفی شود، مواجهه با آن آسان‌تر می‌شود. اما واقعیت این است که نیروی قدس یک نیروی فراقانونی و خودمختار نیست، بلکه بخشی از ساختار رسمی نظام جمهوری اسلامی است و نافی صلاحیت آن با هدف نافی صلاحیت نظام در انجام دادن فعالیت اصلاح‌گرایانه در محیط بین‌الملل صورت می‌گیرد.

در همین زمینه، باید تأکید کرد که نیروی قدس با توجه به عملکردی که در طول سال‌های فعالیت خود در سطح منطقه و جهان داشته است و به عنوان یکی از نهادهای فعال در حوزه سیاست خارجی به شمار می‌رود، مظهر عینی دیپلماسی جهادی و انقلابی است. به این معنا که هم در عمل، هم در اهداف و هم در روش‌های پیگیری و پیشبرد تکالیف و مسئولیت‌هایی که به آن سپرده شده است، به فراتر از مرزهای ایران اسلامی می‌اندیشد و به عبارتی، مرزهای اعتقادی جهان اسلامی را مرزهای حقیقی و واقعی فعالیت‌های خود می‌داند. کما اینکه تلاش شبانه‌روزی نیروهای متخصص، متعهد، منجه، متدین و انقلابی این نیرو در عرصه سیاست خارجی و فعالیت‌های برون‌مرزی آن تحت فرماندهی شهید سلیمانی، دقیقاً مبتنی بر اصول و مؤلفه‌های دیپلماسی جهادی بوده است که در بخش‌های قبلی به آنها پرداخته شد.



شهید حاج قاسم سلیمانی در ۲۰ اسفند ۱۳۳۵ در روستای قنات ملک از توابع رابر کرمان در یک خانواده کارگری چشم به جهان گشود. ۱۱ سال بیشتر نداشت که پس از پایان تحصیلات ابتدایی به کرمان رفت. پس از اخذ دیپلم به شغل بنایی مشغول شد و بعدها فعالیت خود را به عنوان پیمانکار در اداره آب کرمان آغاز کرد.

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ هم‌زمان با پیمانکاری در اداره آب کرمان، به صورت افتخاری به عضویت سپاه کرمان درآمد. پیش از آغاز دفاع مقدس، با شورش کردها به مناطق غرب کشور رفت. هنگامی که عراق در سال ۱۳۵۹ به ایران حمله کرد، حاج قاسم سلیمانی چندین گردان از کرمان را آموزش داد و به همراه آنها راهی مناطق عملیاتی جنوب کشور شد. او حتی در دوره‌ای، فرماندهی سپاه آذربایجان غربی را نیز بر عهده داشت. با خاتمه یافتن شورش کردها به کرمان بازگشت و فرمانده پادگان قدس سپاه کرمان شد.

در اواخر سال ۱۳۶۰، سرلشکر محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه پاسداران، طی حکمی سردار سلیمانی را به فرماندهی تیپ ثارالله منصوب کرد. او بسیار زیرک بود و با استفاده از همین ویژگی، در عملیات‌های مختلفی همچون والفجر ۸، کربلای ۱، کربلای ۵، تک شلمچه و چندین عملیات دیگر بسیار موفق عمل کرد که حاصل آن کارنامه‌ای درخشان در این دوران بود.

سردار حاج قاسم سلیمانی پس از پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۷ به کرمان بازگشت و درگیر جنگ با اشرازی شد که از مرزهای شرقی ایران هدایت می‌شدند. او تا قبل از انتصاب به فرماندهی سپاه قدس، با باندهای قاچاق مواد مخدر در مرزهای ایران و افغانستان می‌جنگید.

سردار حاج قاسم سلیمانی در سال ۱۳۷۶ با حکمی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی، پس از سردار احمد وحیدی به عنوان دومین فرمانده این نیرو انتخاب شد. او در این نیرو و فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه تقویت و گسترش فعالیت‌های محور مقاومت داشت. در واقع، بر اثر

فعالیت‌های شهید سلیمانی، نیروی قدس قدرتمند، رژیم صهیونیستی تضعیف و جبهه مقاومت اسلامی نیز از لحاظ کمی و کیفی ارتقای فوق‌العاده‌ای یافت.

در سال ۱۳۸۹ سردار سرتیپ پاسدار حاج قاسم سلیمانی به دلیل خدمات فراوان خود از سوی امام خامنه‌ای، فرمانده معظم کل قوا و رهبر معظم انقلاب اسلامی، بابت درجه ارتقا به درجه سرلشکری رسید.

نقش کلیدی در مبارزه با گروه‌های تروریستی در منطقه، مهار و نابودی تمامیت ارضی داعش در سوریه و عراق، دفع تهدیدات کشورهای خارجی، مقابله با سناریوهای آمریکادر منطقه و تقویت و محکم‌سازی ساخت‌های مادی و غیرمادی گروه‌های مقاومت از خدمات ارزشمند شهید سلیمانی طی دوران مدیریتشان در نیروی قدس بود.

شهید حاج قاسم سلیمانی که در حقیقت، جهادی‌ترین مدیر در دوران تاریخ جمهوری اسلامی ایران و یکی از دیپلمات‌های برجسته و جهادی در سطح منطقه و جهان بود، پس از عمری مجاهدت سرانجام با اصابت موشک‌های لیزری پهپاد آمریکایی به کاروان آنها در فرودگاه بغداد در بامداد روز ۱۳ دی ۱۳۹۸ به همراه شهید ابومهدی المهندس، نائب رئیس حشد الشعبی، سردار پورجعفری رئیس دفتر شهید سلیمانی، شهید وحید زمانی‌نیا، شهید هادی طارمی و شهید محمد رضا الجابری، رئیس شریفات حشد الشعبی به شهادت رسیدند.

شهید سلیمانی، مغز متفکر سیاست خارجی ایران

شهید حاج قاسم سلیمانی قدرتمندترین فرمانده نظامی غرب آسیا بود و بسیاری از تحلیلگران جهانی او را دومین فرد قدرتمند جمهوری اسلامی پس از رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌دانستند. راهبردهای نظامی او در خدمت سیاست خارجی قرار می‌گرفت.

بنابر اذعان اندیشکده‌های معتبر خارجی، «ایران طی سال‌های اخیر در غرب آسیا، از لبنان و سوریه تا عراق و یمن، قدرت خود را اعمال کرده است. یکی از کلیدهای موفقیت این کشور، اتخاذ یک راهبرد



مختصر به فرد مبنی بر تلفیق قدرت شبه نظامی و قدرت دولتی بوده است. این راهبرد تا اندازه‌ای با الهام از مدل حزب الله در لبنان تدوین شده است. همه اذعان دارند که معمار برجسته این سیاست، سرلشکر قاسم سلیمانی، فرمانده کهنه کار نیروی قدس ایران است. بدون شك، سلیمانی قدرتمندترین ژنرال خاورمیانه بوده است. اگرچه مردم کشورش به سلیمانی احترام می‌گذارند و دشمنانش در میدان‌های جنگ در سراسر خاورمیانه از او وحشت دارند، اما در غرب همچنان ناشناخته است. این در حالی است که اگر بگوییم امروزه، بدون درک کامل قاسم سلیمانی نمی‌توان ایران را درک کرد، حتی آن‌دکی از حق مطلب را هم ادا نکرده‌ایم» (Soufan, ۲۰۱۸).

به بیان ساده‌تر، شهید سلیمانی افزون بر فعالیت در حوزه‌های نظامی و عملیاتی، يك استراتژیست برجسته و نیز دیپلمات تمام عیار و مغز متفکر سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران در منطقه بوده است که به لطف فرماندهی ایشان در نیروی قدس، جمهوری اسلامی توانست ضمن غلبه بر بسیاری از بحران‌های پیچیده در منطقه، منافع و امنیت ملی خود را نیز حتی فراتر از استانداردهای جهانی ارتقا دهد.

فرمانده دیپلمات

شهید حاج قاسم سلیمانی، علاوه بر اینکه يك شخصیت تراز اول نظامی بود، يك دیپلمات شاخص و متخصص هم به‌شمار می‌رفت. حسین امر عبداللهیان، دستیار ویژه سابق رئیس مجلس شورای اسلامی و وزیر خارجه جمهوری اسلامی، در خصوص بعد دیپلماتیک شخصیت سردار سلیمانی می‌گوید:

سردار سلیمانی به معنای واقعی يك «دیپلمات» بود... برخی دیپلمات‌ها حرفه‌ای و برخی دیگر حرفه‌ای نیستند، بلکه سیاست‌مداری حرفه‌ای‌اند. اما بعضی‌ها هم دیپلمات حرفه‌ای هستند هم سیاست‌مدار خوبی‌اند. سردار سلیمانی هم سیاست‌مدار و هم دیپلمات ورزیده‌ای بود. در کنار اینکه يك ژنرال نظامی کارگشته بود، سیاست‌مداری بود که درک درست و واقع‌بینانه‌ای از بحران‌ها داشت و آن نگاه

سیاست ورزانه اش کمک می کرد که چنین پرونده های مهمی را به درستی هدایت کند... گاهی در جلسات شورای امنیت ملی، مثلاً یک کشوری که از ما برای مبارزه با تروریسم کمک خواسته بود، اوضاع خوبی نداشت. وقتی همه از بد بودن شرایط حرف می زدند، سردار سلیمانی می گفت این نکاتی که گفتید درست است، اما اجازه بدهید من شرایط خوش را هم برایتان بگویم. ایشان نکاتی را می گفت که در جلسه توازن ایجاد می کرد. در مقابل، اگر از بخش های مختلف، گزارش هایی داشتیم مبنی بر اینکه اتفاقاً شرایط فلان کشور در مبارزه با تروریسم خیلی هم خوب است، برای اینکه آن جمع با خیال راحت بیرون نروند و احساس نکنند دیگر همه چیز تمام شده است، سردار می گفت اجازه بدهید من چند نکته دارم؛ اتفاقاً این قدر که شما می گوید، شرایط خوب نیست. ایشان همیشه تلاش می کرد تا یک توازن واقع بینانه در جلسه ایجاد شود. خوش بینانه و ساده انگارانه نباید مباحث را تحلیل کنیم و تازمانی که پیروزی دوستان و متحدان ما مثلاً در حوزه مبارزه با تروریسم در عراق یا در سوریه قطعی نشد، نباید خیالمان راحت باشد که کار تمام شده است (امیر عبداللہیان، ۱۳۹۹).

محمد جواد ظریف، وزیر سابق امور خارجه، نیز در خصوص ابعاد دیپلماتیک شخصیت سردار سلیمانی می گوید:

سردار سلیمانی یک دیپلمات باهوش بود. کارهایی که ایشان برای نزدیک کردن دیدگاه های مختلف داشتند، بی نظیر بود. روابط ما با گروه های جهادی و مقاومت برادرانه واقناعی است. حاج قاسم سلیمانی می توانستند با یک دیپلماسی برجسته در بزنگاه های حساس با گروه های مختلف صحبت کرده و نظرات را به یکدیگر نزدیک کنند (http://newspaper.hamshahrionline).

مظهر یک دیپلمات جهادی

شهید سلیمانی، حقیقتاً مظهر یک دیپلمات کارگشته، تلاشگر و جهادی بود. الگوی سردار شهید سلیمانی در عرصه های راهبردی و دیپلماسی به اندازه ای حائز اهمیت بود که بسیاری از سران کشورها در دیدار از



ایران، خواهان مذاکره با او بودند. بنابراین، طرح‌ها و ایده‌ها و عمل‌کرد شهید سلیمانی که می‌توان آنها را بال‌اجرای چارچوب‌های سیاست خارجی به خصوص در بُعد منطقه‌ای دانست، میراث والگویی را در عرصه نظام بین‌الملل پیش روی سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی قرار می‌دهد که آنگاه به آن، راهگشای بن‌بست‌های سیاست خارجی خواهد بود. تشریح این موضوع خود بحث دیگری را می‌طلبد. در این زمینه باید گفت سردار سلیمانی اگرچه نیروی نظامی بود، اما خود را تنها به این حوزه محدود نکرد و بر همین اساس، تفاوت‌های عمل‌کردی و نگرشی با بسیاری از دیپلمات‌های جمهوری اسلامی داشت. این تفاوت‌ها ناشی از «مدیریت جهادی» او در عرصه سیاست خارجی و فعالیت‌های منطقه‌ای بود که می‌توان برخی از نتایج آن را گفتمان‌سازی، دورسازی تهدیدات و ایجاد نظم پایدار به نفع جمهوری اسلامی دانست.

یکسان‌انگاری منافع ملی و فراملی: قدرت منحصربه‌فرد سردار سلیمانی به عنوان مغز متفکر در گستره نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی، از عراق و سوریه گرفته تا یمن و افغانستان، او را به یک نیروی نظامی عملیاتی و سیاسی بی‌نظیر تبدیل کرده بود. این شاخص را بیش از هر چیز باید ناشی از هم‌ترازی منافع ملی و فراملی در نگرش سردار سلیمانی دانست؛ به این معنا که او برخلاف بسیاری دیگر از فعالان سیاست خارجی جمهوری اسلامی که همواره درگیر تصادم میان این دو نوع هستند، نشان داد که میان این دو دسته هیچ تضادی وجود ندارد و تأمین هر کدام از آنها، حقوق دسته دیگر را به طور خودکار به دنبال خواهد داشت (<https://defapress.ir/fa/news>).

ارجم دانستن امنیت: تاریخ ایران نشان داده تعدی و تجاوز بیگانگان به کشور درست زمانی صورت گرفته که توان نظامی ما ضعیف بوده است. علاوه بر این، در نظام ناعادلانه بین‌الملل کنونی که بی‌اعتمادی عنصر اساسی آن است و نیز با توجه به تهدیدانگاری گفتمان جمهوری اسلامی از سوی ساختار، قطعاً هر درجه از ضعف در توان نظامی، طمع نظام سلطه را برای تسلط بر ایران افزایش خواهد داد. بر

اساس همین تجربه تاریخی، سردار سلیمانی به عنوان یک دیپلمات جهادی برخلاف بسیاری دیگر از سیاستمداران ایران، امنیت و توان نظامی را بستر توسعه دیپلماسی و افزایش قدرت چانه‌زنی می‌دانست.

امنیت‌سازی فرامرزی: منطقه غرب آسیا به دلیل حضور نظامی و دخالت آمریکا شاهد عصر کشتمان است. در این زمان، برخلاف برخی از سیاسیون جمهوری اسلامی ایران، شهید سلیمانی از طریق یک دیپلماسی جهادی، امنیت رانه در درون و اطراف مرزها، بلکه آن را در سطح فرامرزی جست و جوی کرد. نتیجه این راهبرد «افزایش توان بازدارندگی، دور شدن تهدیدات و سایه جنگ، سیاست دفاع روبه جلو و ایجاد پشتوانه‌ای برای مذاکرات دیپلماتیک» بود.

برخی از کارشناسان امنیتی ترور سردار سلیمانی را مهم‌ترین مصداق اقدامات تروریستی در تاریخ ایالات متحده می‌دانند. دلیل این امر را باید در جایگاه و نقش جهادی سردار سلیمانی به عنوان متغیری همه‌جانبه یافت که در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی توانست ایدئولوژی، گفتمان و ساختار موردپسند نظام سلطه به رهبری آمریکا را به چالش بکشد.

در واقع، شهید سلیمانی بر پایه ادراک، نگرش و رویکرد خاص سیاسی خود مبتنی بر دیپلماسی جهادی، هم‌زمان با برخورداری از ششم نظامی بی‌نظیر خود، بدترین کابوس‌ها را برای دشمنان جمهوری اسلامی پدید آورد. الگوی ساختاری ایجاد شده از سوی شهید سلیمانی به گونه‌ای است که در دوران حیاتشان با ایجاد بازدارندگی، امنیت‌سازی فرامرزی و تغییر توازن منطقه‌ای و پس از شهادت به واسطه نمایش حریت آور انجام میلیونی در تشییع ایشان، زمینه افزایش نفوذ سیاسی، اعتبار اجتماعی و تاثیرگذاری منطقه‌ای جمهوری اسلامی را در عرصه بین‌الملل فراهم آورد.

دستاوردهای جهادی شهید سلیمانی در نیروی قدس

بدون تردید موفقیت‌های نیروی قدس در تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی و منافع جهان اسلام با خصوصیات فرمانده آن گره خورده است.



شهید حاج قاسم سلیمانی می‌توانست به گونه‌های مختلف عمل کند و در نتیجه هر عملکردی نتیجه خاصی به دست آورد. یکی از ویژگی‌های مهم تحولات منطقه غرب آسیا، اولین و مهم‌ترین محیط عمل نیروی قدس - سرعت آن است. بر همین اساس، توانایی‌های فردی که سکان نیروی قدس را در دست دارد، تأثیر فراوانی در انتقال این تحولات از وضعیتی به وضعیت دیگر دارد.

شهید سلیمانی به عنوان یک مدیر، دیپلمات، فرمانده و استراتژیست جهادی که بحق در درست‌ترین تعریف باید او را «سردار دل‌ها» نامید، طی بیش از دو دهه حضور در نیروی قدس سپاه پاسداران، الگوهای رابرای جمهوری اسلامی به ارمغان آورد که می‌توان آنها را میراث‌های او نامید. این میراث‌ها در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و در ابعاد مختلف قابل مشاهده‌اند.

۱. ارتقای بازیگری ایران در سطح جهانی

یکی از مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی ایران با شعار «نه شرقی نه غربی» حرکت در مسیر کسب جایگاه جهانی در مقام بازیگری اصلی در این عرصه بوده است. ابعاد فرهنگی و تمدنی مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی، ظرفیتی است که ایران را شایسته ایفای چنین نقشی کرده است.

در این میان، محوریت شهید سلیمانی در تقویت بُعد دیگر قدرت‌سازی جهانی ایران یعنی حوزه نظامی، عملیاتی و بازدارندگی مبتنی بر شکل‌گیری نظم غرب آسیا بر محوریت ایران، جایگاه جمهوری اسلامی را در نقش آفرینی جهانی دوچندان کرده است. اذعان سیاست‌مداران و اندیشمندان کشورهای مختلف به حضور جمهوری اسلامی ایران برای حل بحران‌هایی مانند سوریه، عراق، یمن و... نشان از همین هموارسازی مسیر ارتقای بازیگری ایران دارد.

۲. برتری به نفع ایران در تقابل ساختاری نظام بین‌الملل

تقابل ساختار نظام بین‌الملل با ایران را می‌توان سرچشمه همه چالش‌ها نامید

که هزینه‌های مادی بسیاری بر ایران وارد کرده است. اغراق نیست اگر تغییر مدار این تقابل را از پیروزی ساختار به ایحاد برتری به نفع ایران، بزرگ‌ترین میراث شهید سلیمانی در عرصه بین‌الملل بدانیم؛ زیرا سردار سلیمانی به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد در شکل و ماهیت مبارزه، یعنی تمرکز هم‌زمان بر عرصه نظامی و سیاسی و نیز تقابل غیر مستقیم با بازیگران رهبر ساختار و همچنین مدیریت جهادی، توانست هم در عرصه هنجاری وزن گفتمان پویای سیاسی و ایدئولوژیک ایران را ارتقا بخشد و هم در عرصه ژئوپلیتیکی مرزهای نفوذ ایران را گسترش دهد. این راهبردها به عنوان بهترین و کم‌هزینه‌ترین راه‌کنش (تاکتیک)، بیشترین هزینه را به جبهه متخاصم ساختاری وارد کرد و دیپلمات‌های ایران را در مذاکرات گوناگون در موقعیت برتر قرار داد.

۳. تغییر توازن قوای منطقه‌ای

نوآم چامسکی در کتاب «دخالت‌ها» معتقد است که کنترل ایران بر هلال شیعی و حشمتاک‌ترین کابوس برای آمریکا است. تحولات دو دهه اخیر منطقه که متأثر از حضور و نفوذ مستقیم شهید سلیمانی بود، این کابوس را در بدترین شکل خود برای آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین دشمن جمهوری اسلامی به وجود آورد. ماحصل این کابوس، یعنی تغییر توازن قدرت منطقه‌ای به نفع ایران مهم‌ترین رهاورد راهبر شهید سلیمانی بود. این تغییر توازن در دل خود دو نتیجه را در عرصه بین‌المللی برای ایران به همراه داشت: توسعه عمق راهبردی ایران در منطقه و به دنبال آن، ایحاد توان بازدارندگی به عنوان یک شاخص مهم در تغییر الگوی ساختاری روابط بین‌الملل. این الگو مرز تهدیدات ایران را تا عمق راهبردی کشورهای متخاصم عقب راند.

۴. تقویت و فعال شدن جنبش‌های مردمی

عینی‌ترین میراث سردار سلیمانی که نقش بسیار پررنگی را در بازیگری ایران، به ویژه در بُعد منطقه‌ای ایفا می‌کند و در نتیجه، عرصه بین‌المللی را نیز برای در نظر گرفتن منافع جمهوری اسلامی هموار کرده،

«تقویت و فعال شدن جنبش‌ها و گروه‌های مردمی تأثیرگذار در تحولات سیاسی و نظامی کشورهای منطقه» است. نقش سردار سلیمانی در این حوزه آن بود که توانست میان آرمان مشترک (حکومت اسلامی) جمهوری اسلامی و این گروه‌ها پیوند برقرار سازد. این پیوند که مبتنی بر آگاهی جمعی متأثر از آموزه‌های اصیل اسلامی است، زمینه تبدیل شدن به رفتار سیاسی را فراهم کرد.

۵. تقویت گفتمان مقاومت

تهدیدات امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران طی چهاردهه اخیر، نقش برجسته سیاست خارجی امنیت‌محور را در راهبردهای ایران ناگزیر کرده بود. این نوع سیاست خارجی قطعاً و طبعاً نمی‌توانست به تنهایی از سوی فعالان عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی اجرا شود. بدون شک، شهید سلیمانی را می‌توان پایه اساسی عمق‌بخشی به این نوع سیاست خارجی دانست. نکته بسیار مهم در این فرایند آن است که این الگواز سوی شهید سلیمانی با تقویت گفتمان مقاومت و همسان‌سازی عاطفی و معنوی آن در سطح منطقه‌ای با سیاست خارجی جمهوری اسلامی صورت گرفت.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر تلاش شد تا مخاطب به درک روشن و واقع‌بینانه‌ای از دیپلماسی جهادی دست یابد که در ذیل مدیریت جهادی و گفتمان انقلابی تعریف می‌شود. افزون بر آن، از نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به ویژه فرماندهی مدبر و استراتژیست و دیپلمات آن یعنی شهید سلیمانی که در طول سال‌های فعالیت خود با همراهی مجموعه تحت فرماندهی اش توانست جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی را به سطوح درخور توجهی از قدرت و اقتدار برساند، به عنوان مظهر و پیشگام اصلی دیپلماسی جهادی نام برده شد. باید توجه داشت دیپلماسی جهادی مؤلفه بسیار مهمی است که با استفاده از آن، نه تنها می‌توان بر تهدیدات خارجی در هر سطحی غلبه یافت، بلکه جایگاه کشور

عزیزان ایران نیز در مناسبات نا عادلانه بین المللی ارتقای یابد. در غیر این صورت و با تکیه صرف بر دیپلماسی به شکلی که در ادبیات سیاسی و بین الملل رایج است، این خطر وجود دارد که انقلاب اسلامی و سیاست های خارجی جمهوری اسلامی در مناسبات نا عادلانه بین المللی هضم شود و مسئولان جمهوری اسلامی از اصول و ارزش های انقلابی خود و در کنار آن، گفتمان اسلام ناب محمدی (ص) عقب نشینی کنند. این مسئله می تواند پیامدهای مهم زیر را در پی داشته باشد:

- تضعیف الگوی انقلاب اسلامی که خاص جمهوری اسلامی بوده و یکی از مهم ترین عناصر هویت بخش آن است.
- تضعیف گفتمان مقاومت مبنی بر سلطه ستیزی و نیز کارکرد نهضتی مبنی بر حمایت از مسلمانان، مستضعفان و نهضت های آزادی بخش که حول جمهوری اسلامی ایران تعیین یافته است.
- تضعیف نفوذ منطقه ای و الهام بخشی - جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام.
- تبدیل شدن جمهوری اسلامی ایران به کشوری منفعل و بخشی در معادلات منطقه ای و جهانی. دیپلماسی جهادی همانند آنچه که در شخصیت سیاسی، امنیتی و نظامی شهید سلیمانی دیده شد و در حقیقت، این شهید و الامقام مظهر عینی یک دیپلمات جهادی و انقلابی بود، مهم ترین مؤلفه در مقابله با پیامدهای مذکور است.



منابع و مآخذ

▪ امیر عبداللهمیان، حسین (۲۹ خرداد ۱۳۹۹)، «جاذبه‌های رفتاری شهید حاج قاسم سلیمانی»، گفت‌وگو با فصلنامه مطالعات سیاست خارجی، تهران، قابل دسترس در:

<https://tfpsq.net/fa/post.php?id=170>

▪ آقایی، بهمن (۱۳۸۲)، فرهنگ حقوقی بهمن، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم.

▪ جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۳، چ ۴، تهران: انتشارات گنج دانش.

▪ خبرگزاری دفاع مقدس، (۸ فروردین ۱۳۹۹)، «دیپلماسی متفاوت سردار سلیمانی»، خبرگزاری دفاع مقدس، قابل دسترس در: <https://defapress.ir/fa/news/3817506>

▪ زارعی، سعدالله (۲۹ دی ۱۳۹۸)، «ساخت فکری و رفتاری نیروی قدس در مواجهه با اشغال و ترور»، خبرگزاری تسنیم، قابل دسترس در:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/>

▪ صدر، جواد (۱۳۸۶)، «حقوق دیپلماتیک و کنسولی»، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ، دانشگاه تهران.

▪ عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۳)، فقه سیاسی: حقوق تعهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام، تهران: انتشارات سمت.

▪ قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.

▪ مصاحبه با صدا و سیما (۱۵ دی ۱۳۹۸)، قابل دسترس در:

<http://newspaper.hamshahronline.ir/id/92022>

▪ نوروز خیابانی، مهدی (۱۳۸۴)، فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی، تهران: نشر نی.

▪ Soufan, Ali (November ۲۰۱۸), Volume ۱۱, Issue ۱۰, "Qassem Soleimani and Iran's Unique Regional Strategy", Combating Terrorism Center: <https://ctc.usma.edu/qassem-soleimani-irans-unique-regional-strategy>